

# مباحثی از حقوق خانواده

## (شرح و تفسیر موادی از قانون مدنی)



### قسمت اول

#### محمد صالحی - قاضی دادگاه خانواده (تهران)

مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است. این تعریف شامل هر دو قسم نکاح یعنی دائم و منقطع است. (۲) نکاح در بعضی موارد واجب است نسبت به کسی که طبعاً مایل بوده و اگر خودداری کند مرتکب گناه خواهد شد و نسبت به کسی که تا این اندازه احتیاج ندارد، مستحب مؤکد است. برعکس، اگر کسی یقین کند اگر ازدواج نماید ناچار خواهد شد برای امرار معاش مرتکب گناه شود بر او حرام است. (۳) بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نکاح برای گروهی از مردم واجب و برای گروهی دیگر مستحب مؤکد و برای بعضی ممکن است حرام باشد.

#### فصل اول:

خواستگاری: ماده (۱۰۳۴) قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری کرد». خواستگاری همیشه از ناحیه جنس مذکر انجام می‌شود که مطابق فطرت و طبیعت

نکاح و طلاق می‌باشد. نکاح مصدر ثلاثی و از ریشه نَكَح، يَنْكَح می‌باشد و لغتاً نزد مشهور عبارت است از: محل مخصوص زناشویی، بلکه بعضی مدعی شده‌اند که به اتفاق اهل لغت به همین معنی است و استعمال آن در عقد مجاز است. در هر حال، به اتفاق فقهای اسلامی عملی است ممدوح و اخبار بسیاری که از اولیای دین وارد شده - به علاوه در قرآن مجید - صریحاً امر به آن شده است. (۱) قرآن کریم در سوره نساء آیه ۳ می‌فرماید: «فانكحوا ما طاب لكم من النساء» یعنی با زنان طیب ازدواج کنید. و نیز روایت منقول از پیامبر اسلام (ص) که همه فرق مسلمین نقل کرده‌اند «النكاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی»

#### تعریف اصطلاحی نکاح:

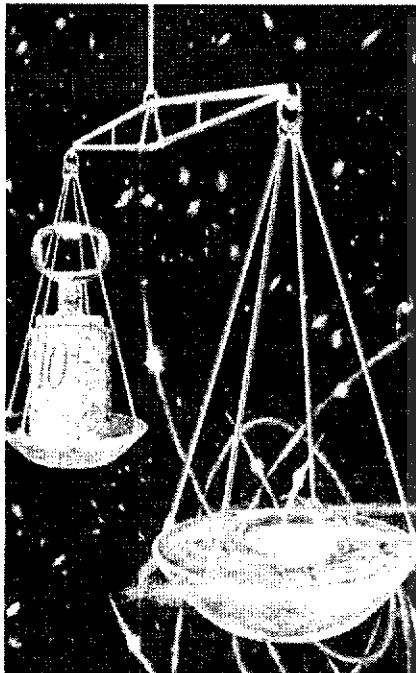
«نکاح رابطه‌ای است حقوقی - عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند، و

جایگاه والای خانواده به عنوان باهویت‌ترین نهاد اجتماعی از دیرباز و خصوصاً قرون اخیر، موقعیت و مقام ممتازی در بین کلیه تأسیسات حقوقی نوین و کهن احراز کرده است.

اهمیت خانواده در مجادله بی‌امان و مستمر تاریخ ملتها به حدی است که هیچ‌یک از مکاتب سیاسی و اجتماعی و فلسفی از پرداختن به آن بی‌نیاز نبوده‌اند. خانواده پناهگاه انسان اجتماعی است، مأمنی که به دلخواه برگزیده می‌شود تا جایی برای سکون و آرامش باشد. عادات و رسوم اجتماعی و اخلاق، سرپناه و محافظ این مکان مقدس است و راه نفوذ قوانین دولتی را می‌بندد. حقوق خانواده در اسلام بخش مهمی از احکام و اخلاق را تشکیل می‌دهد و با وسواس و دقتی در خور تشریح الهی کلیه جوانب و زوایای آن مورد لحاظ شارع مقدس قرار گرفته است. موضوع کتاب هفتم قانون مدنی ایران، در

و عده ازدواج است که تعهد اخلاقی ایجاد می نماید. (۱۱) در صورتی که مردی از راه نامزدی دختری را بفریبد، بر مبنای تسبیب ضامن است نه خلف وعده، خواه پیمان نامزدی باطل باشد یا نافذ. (۱۲)

ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی می گوید: «و عده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی کند اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد». بنابراین، هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می تواند از وصلت



امتناع کند و طرف دیگر نمی تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارت نماید.

نکاح اعم از دایمی یا انقطاعی بایستی به موجب عقد باشد و قبل از آن هیچ نوع رابطه حقوقی بین طرفین به وجود نمی آید.

۱ - آیا وعده نکاح ایجاد علقه زوجیت می کند؟

به صراحت صدر ماده (۱۰۳۵) قانون

## برطبق اصل (۴۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچ

### کس نمی تواند اعمال مق هویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز

#### به منافع عمومی قرار دهد

باشد، باعث بدرفتاری وی با شوهرش خواهد بود. فقیهان امامیه نیز خواستگاری زنی که در عده غیر است را تصریحاً حرام دانسته ولی در عده غیر رجعی به طور تعریض و اشاره را جایز شمرده اند؛ ولیکن در عده رجعی به طور تعریض هم جایز نمی باشد. (۸) اگر کسی در عده طلاق رجعی زنی به خواستگاری او رفته و پس از انقضای عده، او را برای خود عقد نماید، آیا این مذاکرات و قرارداد در بین عده طلاق موجب حرمت این زن برای این مرد می شود یا نه؟ یکی از فقهای معاصر چنین فتوا داده است که عمل مذکور مشروع نیست و حرام است، لکن موجب حرمت زن برای آن مرد نمی شود. (۹) سؤال دیگری که در اینجا پیش می آید این است که با فرض این که خواستگاری از نامزد دیگری حرام است، چنانچه شخصی از چنین زنی خواستگاری کند و بعد از موافقت، او را به عقد خود در آورد آیا عقد باطل است یا صحیح؟ علمای امامیه به اتفاق معتقدند عقد باطل نیست هر چند مرتکب را مستوجب عقاب می دانند. شافعی با نظر امامیه موافق است ولی مالک و داوود به بطلان چنین عقدی اعتقاد دارند و دلیل آنها نهی وارده از رسول خداست. (۱۰)

نامزدی: در صورتی که از طرف مردی نسبت به زنی خواستگاری شود که بعداً با او ازدواج نماید و زن موافقت کند، آن را در اصطلاح عرف نامزدی گویند و هر یک از آن دو، نامزد دیگری خوانده می شود. نامزدی

انسان امری طبیعی است. این قاعده حتی در مورد حیوانات نیز جاری است و رجوع و درخواست از جنس مخالف غالباً و اکثراً از ناحیه جنس مذکر آغاز می شود. (۴)

بر همین اساس است که در قرآن و سنت نبوی در امر نکاح، مردان مخاطب قرار گرفته اند و به آنان مستقیماً دستور انتخاب همسر و ازدواج داده شده است. خواستگاری که در اصطلاح فقه آن را «خطبه» گویند، یعنی درخواست مرد از زن برای ازدواج. (۵) خواستگار کسی را گویند که طالب ازدواج با زنی است. (۶) خواستگاری عبارت است از: پیشنهاد زناشویی از طرف مرد نسبت به زنی که بتواند با او ازدواج نماید. هر مردی که بتواند ازدواج کند، می تواند از زنی که مانع قانونی بر این امر ندارد خواستگاری نماید. (۷) بر همین اساس، ماده (۱۰۳۴) قانون مدنی می گوید: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد، می توان خواستگاری نمود.»

بنابراین، قانون مدنی ایران صراحتاً خواستگاری از زنان خالی از موانع نکاح را جایز دانسته و از مفهوم مخالف ماده مرقوم چنین استفاده می شود که خواستگاری از زنان دارای مانع نکاح جایز نمی باشد؛ مانند زن شوهردار یا زنی که در عده رجعی است؛ زیرا این عمل با نظم عمومی و اخلاق حسنه مخالفت داشته و از لحاظ شرعی نیز حرام است. زیرا مطلقه رجعی در حکم زوجه است و خواستگاری از زن شوهردار نیز ولو بعد از طلاق از شوهرش

دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج نماید، زیرا وعده ازدواج تعهد به آن نمی‌باشد. (۱۷)

«به هم زدن وعده مذکور به تنهایی سبب خسارت نیست تا به هم زنده مسئولیت مدنی داشته باشد، بلکه قبول کننده آن وعده (زن) اقدام به ضرر خود کرده است و مباشر، اقوی از سبب است.» (۱۸)

اگر در اثر امتناع یکی از نامزدها از وصلت، خسارتی به طرف دیگر وارد شده باشد. بایستی علت برهم زدن نامزدی را جستجو نمود و دو صورت قابل تصور است:

الف- امتناع نامزد از وصلت علت موجهی دارد. مانند این که نامزد دارای فساد اخلاق و محکومیت کیفری و یا اعتیاد به مواد افیونی یا مشروبات الکلی داشته باشد. یا واجد شرایطی که نامزدی برطبق آن استوار گردیده نباشد، مانند این که خود را پزشک معرفی نموده، در حالی که پرستار است. (شرایط اجتماعی)

ب- امتناع نامزد از وصلت علت موجهی ندارد. «هرگاه طرفی که پیمان نامزدی را به هم زده است از این حق سوء استفاده کند و علت موجهی برای کار خود نداشته باشد، باید خسارات ناشی از تقصیر خود، (سوء استفاده از حق) را جبران سازد. برطبق اصل (۴۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» (۱۹)

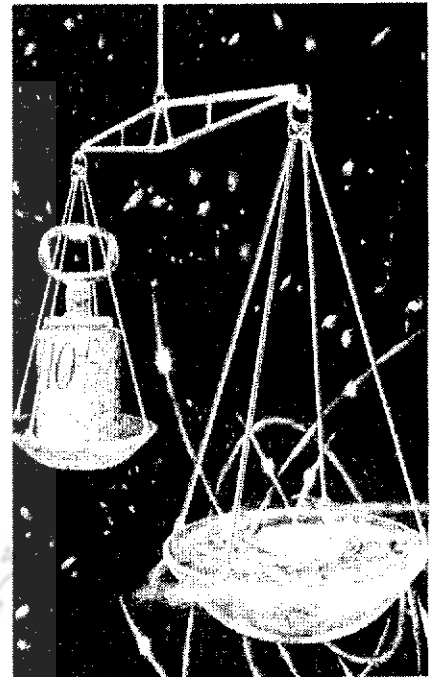
پس امکان برهم زدن نامزدی منافاتی با

است.»

**۲- آیا وعده ازدواج الزام آور است؟**  
به صراحت ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی: «... هر یک از زن و مرد، مادام که عقد نکاح جاری نشده، می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند به هیچ وجه او را مجبور به ازدواج کرده و یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارت نماید.» پس توافقی که بین زن و مرد دربارهٔ ازدواج آینده صورت می‌گیرد آنان را پای بند به نکاح نمی‌سازد. تعهد به زناشویی نیز الزام آور نیست و ماده (۱۰) قانون مدنی نیز نمی‌تواند مستند الزام متعهد قرار گیرد زیرا واژه وعده شامل تعهد نیز می‌شود. (۱۵) بنابراین به موجب مدلول ماده، هرگونه تعهدی قبل از وقوع عقد باطل و بلااثر است و الزام آور نیست و همین صراحت ماده (۱۰۳۵) مدلول آن را از شمول ماده (۱۰) قانون مدنی خارج می‌سازد. (۱۶) شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود چنین اظهار نظر کرده است: «پس از احراز رابطه نامشروع میان متهم و متهمه، درخواست متهمه مبنی بر الزام متهم به جاری ساختن صیغهٔ نکاح فاقد وجاهت قانونی است.»

**۳- برهم زدن نامزدی و آثار حقوقی آن**  
طبق صریح ماده (۱۰۳۵) قانون مدنی، هر یک از نامزدها می‌تواند از وصلت امتناع کند، خواه این امر علت موجه داشته یا بدون علت موجه باشد. و به دستور ذیل مادهٔ مرقوم، طرف

مدنی، وعده ازدواج ایجاد رابطهٔ زوجیت نمی‌کند؛ زیرا اولاً: وعده، ایجاد تعهد نمی‌کند. پس وعده ازدواج، رابطه حقوقی به وجود نمی‌آورد. پرداخت مهریه براساس وعده، جنبه تشویقی دارد و از مصادیق «داراشدن بدون سبب» است و باید در صورت امتناع از وصلت، به زوج پس بدهد. ثانیاً: تعهد قبل از عقد نکاح، تعهد یک طرفی است و لازم‌الرعایه نیست، یعنی فرضاً که وعده نکاح را از اسباب تعهد بدانیم، فقه امامیه این تعهد



را جایز می‌داند نه لازم. (۱۳) به هر حال، تعهد متقابل زن و مرد به ازدواج آینده، آن دو را زن و شوهر نمی‌کند و رابطهٔ جنسی آنان در دوران پیش از نکاح غیرمشروع است هر چند که به نکاح منتهی شود. (۱۴) شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۵۹۲ - ۷۳/۹/۲۰ در این خصوص چنین رأی داده است. «ارتباط جنسی و وعده ازدواج قطع نظر از صحت و سقم قضیه، ایجاد علقهٔ زوجیت نمی‌کند. لذا اجبار متهم به ازدواج با متهمه فاقد وجاهت قانونی

**اهمیت خانواده در مجادلهٔ بی‌امان و مستمر تاریخ ملت‌ها به**

**مدی است که هیچ یک از مکاتب سیاسی و اجتماعی و فلسفی از**

**پرداختن به آن بی‌نیاز نبوده‌اند**

مسئولیت ناشی از سوءاستفاده از این حق ندارد. (۲۰)

در حقوق آمریکا نیز کسی که نامزدی را به هم زده و طرف دعوا قرار گرفته است باید دلیل موجه بودن کار خود را به عنوان دفاع به دادگاه بدهد و مدعی، نیازی به اثبات نامشروع بودن عمل او ندارد. (۲۱) در حقوق انگلستان نیز با حقوق ما از این لحاظ مشابهت کامل وجود دارد.

ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی می گوید: «هر یک از نامزدها می تواند در صورت به هم خوردن وصلت منظور، هدایایی را که به طرف دیگر یا ابوین او برای وصلت منظور داده است مطالبه کند. اگر عین هدایا موجود نباشد مستحق قیمت هدایایی خواهد بود که عادتاً نگاه داشته می شود، مگر این که آن هدایا بدون تقصیر طرف دیگر تلف شده باشد.»

۱- آیا امکان استرداد هدایا در صورت به هم خوردن نامزدی وجود دارد؟

به صراحت ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی، در صورت برهم خوردن نامزدی، هر یک از نامزدها می توانند هدایایی را که به طرف دیگر یا ابوین او برای وصلت منظور داده اند، مطالبه کنند.

«هدایایی که قبل از ازدواج، نامزدها برای یکدیگر می فرستند و یا پدر و مادر آنها و یا به عنوان ارمغان داده می شود عنواناً امانت نیست بلکه ظاهراً عطیه و هبه است و هبه غیر معوضه با بقای عین قابل استرداد است.» (۲۲) «چون وصلت به هم بخورد باید به صاحبش مسترد شود، زیرا هدیه آن اشیا به منظور ازدواج بوده و چون به هم بخورد علتی باقی نمی گذارد، لذا آنچه در موقع به هم زدن وصلت عین آن وجود داشته باشد به دهنده آن مسترد می شود.» (۲۳) «بنابراین، هدایایی که نامزدها به امید وقوع نکاح به یکدیگر داده اند، در صورت به هم

زدن نامزدی قابل استرداد است هر چند که وعده نکاح به دلیل تقصیر یکی از آنان یا بدون علت موجه منحل شده باشد.» (۲۴)

### فواستگاری عبارت است

از: پیشنهاد (نشویی از

طرف مرد نسبت به (نی که

بتواند با او ازدواج نماید.

هر مردی که بتواند ازدواج

کند، می تواند از زنی که

مانع قانونی بر این امر

ندارد فواستگاری

نماید. بر همین اساس،

ماده (۱۰۳۴) قانون مدنی

می گوید: «هر (نی را که فالی

از موانع نکاح باشد،

می توان فواستگاری

نمود.»

«در مذهب مالکی در کلیه موارد چنانچه به هم زنده نامزدی شخص خواستگار یا کسان او باشند، می توانند هدایای خود را پس بگیرند.» (۲۵) از آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می شود که ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی

صرفاً ناظر به هدایای دوران نامزدی است و هدایای پیش از آن را شامل نمی شود. شبهه ۱۸ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۴۹۶- ۷۳/۹/۵ چنین اظهار عقیده کرده است: «نظر به این که هزینه عقد و ازدواج عرفاً از وظایف زوج است و نوع طلاق حق مطالبه چنان مخارجی را برای زوج ایجاد نمی نماید.» ۲- آیا اموال مذکور در ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی، به عنوان تملیک (انتقال مالکیت یعنی تعهد انتقال) داده می شود؟

با دقت در ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی، این نکته معلوم می شود که اموال مذکور در ماده مرقوم، به عنوان تملیک داده نمی شود بلکه به یکی از صور ذیل عنوان حقوقی آن متصور می گردد: «۱- اباحه تصرف (به صورت اباحه بدون عوض) که مختص اشیایی است که عرفاً به مصرف می رسد، مانند فرستادن گوسفند که ذبح می کنند و می خورند. ۲- اباحه انتفاع (که امتاع نامند) بدون تملیک عین، مانند لباس و جامه فاخر و انگشتر و گوشواره و اتومبیل - اینها همان اموائی است که عادتاً نگاه داشته می شود. (ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی)، ۳- تملیک معلق بر وقوع نکاح، این در مورد اموائی است که به صورت شیربها به ابوین زوجه قبل از ازدواج داده می شود.» (۲۶)

سؤال: آیا شیربها قابل مطالبه است؟

«دعوای والدین زوجه دایر به مطالبه وجه به عنوان شیربها علیه داماد، مادام که در خصوص آن شرط و تعهدی نشده باشد، به علت فقدان موجب قانونی و شرعی مسموع نیست و اگر شوهر چیزی به عنوان شیربها برای ازدواج داده لیکن وصلت منظور صورت نگرفته و یا در صورت تحقق ازدواج بدون اراده و یا تقصیر او وصلت به هم خورده باشد با اتخاذ وحدت ملاک از ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی، می تواند از دادگاه شیربهای پرداختی را استرداد

کند. «(۲۷)

۳- وضعیت حقوقی هدایای مصرف شدنی در صورت به هم خوردن نامزدی چگونه است؟

«اشیایی که عادتاً مصرف می‌شود، مانند: خوراکیها، لباس، جوراب و دستمال و امثال آن، پس از برهم زدن وصلت، دهنده نمی‌تواند عوض آن را از طرف خود بخواهد، زیرا چنانکه از طبیعت این گونه اشیا معلوم است، دهنده آن را به طرف خود اباحه نموده و اجازه تلف آن را داده است.» (۲۸)

«اما اگر عین هدایا در زمان به هم خوردن نامزدی باقی باشد هدیه کننده می‌تواند آن را پس بگیرد.» (۲۹)

«علت این که در مورد اشیای مصرف کردنی (برای طرف مقابل) در صورت مصرف خسارت نباید داد این است که دهنده آن اشیا، آنها را به طرف مقابل خود اباحه کرده و این اباحه انتفاع بدون عوض است که به طرف حق تصرف می‌دهد بدون این که مالکیت اباحه کننده صلب شده باشد، عیناً مانند غذایی که میزبان جلوی مهمان می‌گذارد که اگر مصرف شد بحثی نیست و اگر مصرف نشده کماکان ملک میزبان است.» (۳۰)

به نظر می‌رسد با توجه به منطوق ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی، فرقی بین هدایای مصرف شدنی و غیر آن وجود ندارد و در صورت بقای عین، در هر دو صورت می‌تواند هدایای داده شده را از طرف دیگر مطالبه کند الا این که درج هدایای مصرف شدنی در صورت تلف (مصرف)، چون دهنده آن به طرف مقابل اباحه انتفاع بدون عوض داده است نمی‌تواند مطالبه خسارت کند.

۴- وضعیت حقوقی هدایایی که عادتاً نگهداری می‌شود، چیست؟

از مفاد ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی استفاده می‌شود که در صورت بقای عین هدایایی که

عادتاً نگهداری می‌شود، هر یک از نامزدها مکلف به استرداد آن به طرف مقابل است، اما اگر عین هدایایی که عادتاً نگهداری می‌شود موجود نباشد دو حالت متصور است: مال

## در صورتی که از طرف

## مردی نسبت به زنی

## خواستگاری شود که

## بعداً با او ازدواج نماید

## و زن موافقت کند، آن

## را در اصطلاح عرف

## نامزدی گویند و هر یک

## از آن دو، نامزد دیگری

## خوانده می‌شود.

(هدیه) با تقصیر طرف دیگر تلف نشده باشد که در این صورت وی مسئولیتی در پرداخت قیمت آن ندارد؛ چون امین بدون تقصیر (تعذی و تفریط) مسئول نمی‌باشد. «در مورد اشیایی هم که عادتاً نگاه داشته می‌شود اگر در نتیجه حوادث قهری از بین برود قیمت آنها

قابل مطالبه نخواهد بود، مثلاً اگر نامزد فرشی یا پرده و یا اشیای زینتی برای طرف بفرستد و در نتیجه سیل و یا زلزله از بین برود موجب ضمان نخواهد بود.» (۳۱) «یکی از شایع‌ترین اقسام این گونه هدایا حلقه نامزدی است که در نظر عرف نشانه خارجی این پیمان و حفظ آن دلیل بر استوار بودن وعده نکاح است.» (۳۲) «این گونه اشیا در مقابل وصلت زناشویی به زن تملیک شده است و چون وصلت بر هم بخورد معلوم می‌شود که معامله فاقد علت بوده است، بنابراین چنانچه آن اموال در ملکیت زن باقی بماند دارا شدن غیر عادلانه و بدون علت قانونی خواهد بود.» (۳۳)

۵- آیا اموالی که زوج قبل از نکاح به زوجه می‌دهد و عادتاً نیز نگهداری می‌شود پس از تحقق عقد نکاح به مالکیت زوجه در می‌آید یا احتیاجی به انشای تملیک جداگانه دارد؟

«انشای تملیک جداگانه لازم است و مالکیت زوج قبل از انشای تملیک از وی سلب نمی‌شود اما اگر از راه استعمال آن اشیا توسط زوجه، تلف شود زوجه مسئول نخواهد بود. حتی اگر تلف ناشی از تقصیر زوجه باشد. مستند این نظر، عرف و عادت مسلم است و نباید طبق عموماً مسئولیت مدنی مقصر را مسئول شمرد.» (۳۴)

۶- وضعیت نامه‌هایی که در دوران نامزدی مبادله شده است، چگونه است؟

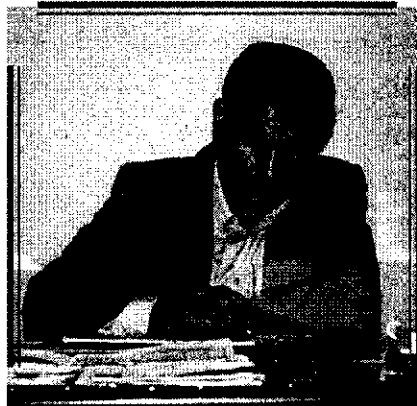
تا آنجا که نگارنده تحقیق کرده است، دادگاهها و دیوان عالی کشور در این خصوص تاکنون تصمیمی اتخاذ نکرده‌اند؛ ولیکن از لحن انشای ماده (۱۰۳۷) قانون مدنی می‌توان چنین استنباط نمود که نامه‌ها نیز در ردیف سایر هدایا محسوب می‌شود که در صورت بقای آن، طرف مقابل ملزم به استرداد آن می‌باشد ولیکن در صورت تلف نمی‌توان ادعای خسارت نمود. به هر حال،

می توان نتیجه گرفت که قانونگذار مایل است وضعیت طرفین هرچه زودتر به وضع قبل از نامزدی برگردد و ماده نزاع از بین برود .  
ماده (۱۰۳۸) قانون مدنی: «مفاد ماده قبل، از حیث رجوع به قیمت درموردی که وصلت منظور در اثر فوت یکی از نامزدها به هم بخورد، مجری نخواهد بود.»

**انحلال نامزدی در اثر فوت یکی از نامزدها با مرگ یکی از نامزدها، نامزدی به هم خورده و عین هدایایی که موجود است مسترد می گردد.** این معنا از مفهوم مخالف ماده (۱۰۳۸) قانون مدنی مستفاد می گردد. بنابراین، «رجوع به عین هدایا در صورت فوت یکی از نامزدها نیز امکان دارد و مبنای آن بنای دو طرف بر انحلال هدیه است.» (۳۵)  
گرچه طبق قاعده کلی درباره عدم امکان رجوع از هبه در صورت فوت یکی از نامزدها بایستی قایل به عدم استرداد هدایا باشیم، قانون مدنی در ماده (۸۰۵) می گوید: «بعد از فوت واهب و متهب رجوع ممکن نیست.» اما قیمت هدایایی که یکی از نامزدها به دیگری داده و نزد او موجود نیست مطالبه نخواهد شد، اگر چه در اثر تقصیر او تلف شده باشد.» (۳۶)

«اگر یکی از نامزدها مالی را هدیه کند که عادتاً نگهداری می شود و این مال در اثر تقصیر نامزد تلف شده باشد، در صورتی که یکی از نامزدها فوت کند و به این دلیل وعده نکاح به هم خورد مطالبه قیمت از طرف وارث متوفی یا علیه وارث گیرنده هبه امکان ندارد. مفاد این حکم بر عدالت و رسوم اجتماعی استوار است که دعوا را در چنین حالتی ناپسند می شمرد و گرنه سقوط حق را بر هیچ قاعده حقوقی نمی توان استوار کرد.» (۳۷)

ادامه دارد



**پی نوشت ها:**

- ۱- حائری شاهباغ، شرح قانون مدنی، ج دوم، ص ۸۸۲.
- ۲- دکتر محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۲۲.
- ۳- حائری شاهباغ، شرح قانون مدنی، ص ۸۸۲.
- ۴- مطهری، استاد شهید مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام.
- ۵- دکتر محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۲۶.
- ۶- حائری شاهباغ، شرح قانون مدنی، ج دوم، ص ۸۸۲.
- ۷- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج چهارم، ص ۲۶۹ و ۲۷۰.
- ۸- مرحوم آیت الله گلپایگانی، کتاب مجمع المسائل، ج دوم، مسئله ۷۳۳، ص ۲۵۶.
- ۹- همان کتاب، مسئله ۷۳۴.
- ۱۰- دکتر محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۳۰.
- ۱۱- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج چهارم، ص ۲۷۰.
- ۱۲- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، ج اول، شماره ۲۲.
- ۱۳- جعفری لنگرودی، دکتر جعفر، حقوق خانواده، ص ۸ و ۷.
- ۱۴- کاتوزیان، دکتر ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، ص ۶۴۴.
- ۱۵- همان کتاب.
- ۱۶- دکتر محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۳۳، برای دیدن نظر مخالف رجوع کنید: به حقوق مدنی، ج ۴، ص ۲۷۱ دکتر سید حسن امامی.
- ۱۷- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج چهارم، ص ۲۷۱.
- ۱۸- جعفری لنگرودی، دکتر جعفر، حقوق خانواده، ص ۸.
- ۱۹- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، ص ۳۹.
- ۲۰- کاتوزیان، دکتر ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، ص ۶۴۴.
- ۲۱- شایگان، دکتر سید علی، حقوق مدنی ایران، شماره ۶۲۷.

- ۲۲- حائری شاهباغ، شرح قانون مدنی، ج دوم، ص ۸۸۸.
- ۲۳- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج چهارم، ص ۲۷۴.
- ۲۴- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، ج اول، ص ۴۳، شماره ۲۵.
- ۲۵- دکتر محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۲۳.
- ۲۶- جعفری لنگرودی، دکتر جعفر، حقوق خانواده، ص ۱۲.
- ۲۷- نوبخت، یوسف، اندیشه های قضایی.
- ۲۸- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج چهارم، ص ۲۷۴ و ۲۷۵.
- ۲۹- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، ج اول، ص ۴۴.
- ۳۰- جعفری لنگرودی، دکتر جعفر، حقوق خانواده، صص ۱۱ و ۱۲.
- ۳۱- حائری شاهباغ، شرح قانون مدنی، ج دوم، ص ۸۸۹.
- ۳۲- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، ج اول، ص ۴۵، شماره ۲۷.
- ۳۳- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج چهارم، ص ۲۷۵.
- ۳۴- جعفری لنگرودی، دکتر جعفر، حقوق خانواده، ص ۱۴.
- ۳۵- کاتوزیان، دکتر ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، صص ۶۴۶ و ۶۴۵.
- ۳۶- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج چهارم، ص ۲۷۵.
- ۳۷- کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق خانواده، ص ۴۶ و ۴۵، شماره ۲۸.

